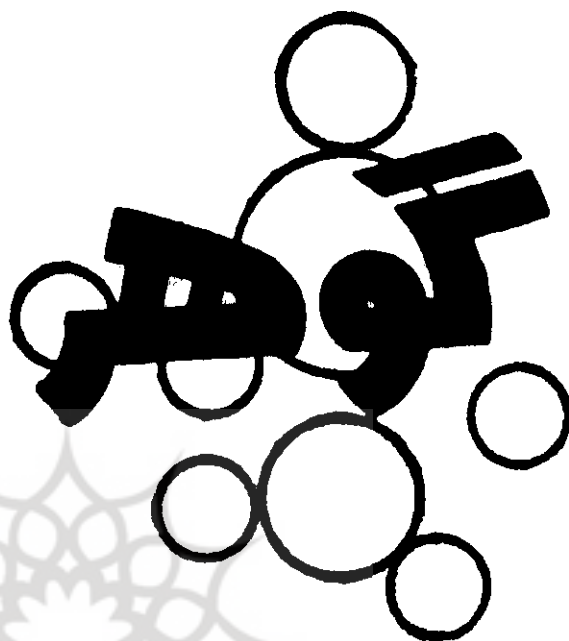


سال ششم - شماره ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۱۳۵۷
(شماره مسلسل ۷۱-۷۲)



مدیرمسئول: مرتضی کامران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کتاب

پرتال جامع علما و شاعران گزیده صاحب تبری



بسمه تعالی

کمتر کسی از دوستان و هواداران شعر و ادب پارسیست که با آثار شاعران
غزلسرای ایران، بخصوص گویندگان قرن هفدهم هجری، آشنا باشد و صاحب راکم و بیش
نشناسد. اگر در طبقات خواص و عوام قوم، کسانی باشند که این شاعر نازک خیال و باریک
بین دوره صفوی را با رسم نشناسند اما، بیشک، مصرعها و یا بیتهایی از او را، که بواسطه

دقت معنی ورقت مضمون جنبه امثال و حکم را پیدا کرده است، از بردارند و در معاورات و مکاتبات خود بکار میبرند و درج کلام و سیاق عبارت را بذکر آن چاشنی می بخشند .

اینکه صائب نتوانسته است شهرتی را که درخور مقام بلند و موقع ارجمند اوست پیدا کند و آثار شیوایش قبولیت عامه بیابد و در میان دیگر آثار ادبی جای حقیقی خود را باز کند از آنروست که وی در قرنی پدید آمده و بگویندگی پرداخته است که یکه نازان و پهلوانان شیرین کار و چیره دست قرون سوم و چهارم و پنجم و ششم هجری برویام سخن را رفته و پایه شیوائی لفظ و رسائی معنی و فریبائی تعبیر و زیبایی تشبیه را بجائی گذاشته اند که از دسترس امکان بدور است .

بعد از صائب نیز کسانی که در میدان گویندگی بچرخ افتادند ، دنباله ی پیشینیان را گرفته و راه و رسم کهن را نو کردند .

در این میان ، تنها صائب و پس از وی ، عده ای معدود از پیروان و مقتفیان او ، در ایران و هندوستان است که در بیان افکار و شرح احساسات ، شیوه ای خاص و طرز نو پدید آوردند که هر چند در محل و مقام خود ، درخور غور و تأمل و سزاوار تمجید و تحسین بود ولی نتوانست با آثار شکرف و شگفت آن شاعران صاحب شأن و عالی مقام دست و پنجه نرم کند و خودی بنماید و چون اینگونه اشعار که « بسبک هندی » معروف گردید ، در عین بلندی و شیوائی لفظ و معنی ، خالی از مضامین پیچیده و مغلق و استعارات و تشبیهات و کنایات غامض و غیر متبادر بذهن نبود ، مطبوع طباع سهل و ممتنع پسند و مسلائم ذوق روان و ساده دوست نیفتاد و رفته رفته ، متروک و مهجور ماند و از دسترس عرف و عادت دور شد و جزء موضوع مطالعات معدودی خواص اهل تتبع و استقصاء قرار گرفت .

در حقیقت ، بلاغت و جزالت اسلوب **رودکی** ، دقت و رقت الفاظ و معانی **دقیقی** ، براعت طبع و احاطت تعبیر **کسائی** ، بداعت اسالیب و حسن تراکیب **فردوسی** ، فصاحت لفظ و بلاغت معنی **عنصری** ، ملاحات بیان و ظرافت **سبک فرخی** ، رشاق و تخیل و قدرت تشبیه **منوچهری** ، وسعت لفظ و عمق معنی **ناصر خسرو** ، جودت فکر و سماحت خاطر **مسعود سعد** ، قدرت فکر و قوت بیان **سنائی** ، متانت طبع و رزانت فکر **انوری** ، **باریک** - اندیشی و ژرف بینی **اسدی** ، وسعت فکر و فسحت تعبیر **خاقانی** ، قدرت تصور و قوت بیان **نظامی** ، عذوبت گفتار و روانی بیان **سعدی** ، رفعت معنی و فخامت لفظ **حافظ** ، قبل از صائب و حتی بعد از او ، مجال سخنوری و شاعری را بر هر کس تنگ کرده است و اینکه صائب نتوانسته است ، در میان این جمع عظیم از صنادید نامور سخن ، نامی از خود باقی بگذارد و جمعی را پیرو و مقلد **سبک** نوین خود کند و گروهی را شیفته و فریفته ی آثار خود سازد اگر معجزه نباشد بی شک نوعی کرامت است .

کسانیکه باشعر و ادب پارسی مانوس هستند و در ریزه کاریها و قدرت نمائیهها و باریک بینیها و ژرف اندیشیهای گویندگان نادرالاسلوب خراسانی و عراقی و فارسی (شیرازی) غور و فحوص کرده اند میدانند که قدرت طبع و قدرت تخیل و احاطه خاطر و وسعت اطلاع و ورزش دماغی و فکری آنان تا چه حد است و چگونه الفاظ و معانی را در سرانگشتان هنرمند و مسحر آفرین خود مانند موم ، بهر شکل و بهر صورت که خواسته اند ، در آورده اند و در انحاء تعبیرات و انواع تمثیلات و اقسام تشبیهات بهیچگاه ناتوانی و زبونی از خود نشان نداده اند. آثار منظوم و مثنوی این گروه ، قالبهای ساخته و پرداخته ی زبان شیرین و شیوای پارسیست که قرنهای بعد و سر مشق بکار رفته است و از این پس نیز تا قیام قیامت بکار خواهد رفت .

هر کس بخواهد در زبان فصیح و بلیغ پارسی اثری ارزنده پدید آورد که در بازار نقدان و صرافان سخن شناس ارزش و رواجی یابد «باید» بنا گذیر کرده و طرح را از آن آثار بردارد. حال اگر کسی مانند صائب پیدا شود که با علم بموضوع ، بر این سنت پشت پازند و از طی طریق کوییده روی برتابد و بدست یاری و پایمردی طبع مقتدر و تخیل نیرومند و نظر باریک بین و تصور موشکاف خویش بدعت تازه کند و روشی نو و اسلوبی یدیع اختراع نماید و از مضائق و مخاوف طریقی جدید و صعب بگذرد و پیش رود و چرخهای دستگاهی را که طی قرون متمادی بیک روش و از یک جهت حرکت کرده است یکباره بجهتی و روشی دیگر که برخلاف متداول و متعارف است بچرخ افکند خیلی دل و جگر میخواید .

درهم شکستن هر بدعت و سنت و اختراع هر هنر و صنعت کار هر کس نیست. زیرا علاوه بر درایت و فطانت ، رشادت و جلالت میخواید و اعتماد بنفس و قدرت تصمیم و هنرمندی میطلبید .

صائب این شهامت و هنر را داشت و آن را بمورد آزمایش گذاشت و از بوتۀ امتحان خوشحال و سرخ روی و پیروز بدرآمد .

بی شک «طرزی» را که صائب ، برای بیان افکار و تخیلات و تجسم عواطف و احساسات و تشریح ذوقیات و وجدانیات و توضیح انفعالات و مستدرکات ، بکار برده و «سبکی» را که در شیوه غزل سرائی ابداع و اختراع کرده است تا آن زمان تا زگی داشت و اگر هم قبل از صائب ، در آثار گویندگان پیشین ، جسته و گریخته ، نمودارهایی از اینگونه سخن بتوان یافت بسیار اندک است و بعلاوه همدوش و همسنگ آثار وی نیست . چنانکه پس از صائب نیز ، چه در ایران و چه در هندوستان ، کسانیکه بدنبال وی رفته اند و از طرز و سبک وی تقلید و اقتفا کرده اند با و نرسیده اند و آثارشان پختگی و کمال آثار صائب را نیافته است . اگر بسبب حزم و احتیاط ، شیوهی صائب را تحول و تغییر سبکهای مختلف زبان

شعر پارسی ، در قرون متعادی ، بشمار آوریم باید اعتراف کرد که صائب «فرد کامل» و «شخصیت ممتاز» این تحول ادبی است و در این طوق بدیع که در قرن هفدهم هجری برگردن شاهد زبان پارسی افکنده شده است، صائب ، مانند گوهری ، میدرخشد و نور می‌پراکند و اشعه انوار آثارش نه تنها ایران بلکه قسمتی مهم از هندوستان را نیز روشن میکند .

در سبک صائب ، بالتزام بانتخاب و سبک و سنگین کردن الفاظ و تلفیق و تنسیق دقیق عبارات و جملات و مراعات صنایع بدیعی ، بفکر تازه و مضمون بکر و معنی بدیع توجهی خاص مبذول شده است . منتهی این مضامین و معانی ، مبتذل و عادی و متعارف و یابانه بیان دیگر ، متبادر بذهن و سهل الوصول نیست و خواننده باید اندکی تأمل و تعمق کند تا بکنه و عمق آن پی برد ولی همینکه آنرا دریافت آنگاه از سائلی لفظ و شیوایی کلام و دقت معنی و رقت مضمون بشگفت می‌افتد .

البته متانت اسلوب و فخامت و رشاقه لفظ و جزالت و بلاغت معنی و روشنی و سادگی مضمون سبک خراسانی و روانی بیان و شیرینی سخن و لطف و صفای الفاظ و معانی سبک عراقی و شیرازی در طرز صائب دیده نمیشود ولی مراعات نظیرهای سبک و استعارات و کنایات بیمزه و تشبیهات و تشبیهات نامناسب و سستی تألیف نیز در اشعار او وجود ندارد و کمتر غزلیست که در آن مضمونی بدیع و فکری تازه بکار نرفته و احساسات لطیف و عواطف ظریف و خلیجانات درونی و انفعالات نفسانی و حقایق روحانی بتازه‌ترین تعبیر و بدیع‌ترین مضمون و باریکترین معنی تشریح و توصیف نشده باشد ولی ، چنانکه اشاره رفت ، البته کلام ، در عین فصاحت ، غرابت معانی فراوان دارد .

غزلهای صائب را هر چند باید یکدست دانست ولی البته در همه ابیات یک غزل ، فکر دقیق و طبع رقیق او ، مضمونی بکر ابداع نکرده است . چه بسا غزلها که فقط یک یا دو بیت آن از لحاظ در برداشتن لطف معنی و دقت مضمون عالی و بلند است و بقیه ابیات عادی و متعارف بشماره میرود . اساساً اگر مدتها با دیوان اشعار این شاعر مفلح محشور و مأنوس شوید میتوانید اینطور ببیندیشید که صائب همواره مضمونی بکر و فکری بدیع را در یک یا دو بیت بشعر در می‌آورد و بعد برای آنکه آن ابیات تنها نماند ، ابیاتی دیگر ، بر همان وزن و قافیه ، میساخته و بآن میافزوده است .

آنچه که در دیوان صدهزاربیتی صائب مناط اعتبار و موجب افتخار است همین تک بیتها و یابیت الغزلهاست که هر یک را معنی ای بدیع و مضمونی تازه از دیگر ابیات ممتاز و مطرز میسازد . بنا بر این جای عجب نیست اگر از این دیوان کثیر الاشعار و این شاعر کثیر الاثار فقط همان ابیات منتخب و اشعار ممتاز در حافظه‌ها باقیمانده و بقیه بدست فراموشی سپرده

شده باشد .

نام صائب درهمه‌ی تذکرها و تاریخ شعرای بعد از او دیده میشود . عموم تذکره نویسان و مورخان که از شعر و ادب قرن هفدهم گفتگو میکنند بترجمه حال و ذکر آثار صائب میپردازند و معتقدند که او را در سخن و غزل طرزی تازه و شیوه‌ای نو است .

میرزا محمدعلی صائب، در شهر اصفهان پایدنیا گذارد و پدر وی ، میرزا عبدالرحیم

از بازرگانان صاحب مال و منال و وجهه و اعتبار است که بامر شاه عباس کبیر بساعده‌ای از هم‌صنفانش از تبریز باصفهان کوچانیده شده‌اند . این تاجران پس از رسیدن باصفهان در آن شهر توطن جستند و بکار دادوستد و تجارت و معاملات پرداختند و به «تبارزه‌ی» اصفهان معروف شدند . از اینجاست که عده‌ای صائب را تبریزی میخوانند . قولی که مولدشاعر را شهر تبریز میدانند ضعیف است .

صائب از شاعران کثیرالشعر است که در یکجا پابند نمیشود و در اقطار و اکناف جهان بسیاحت و سیر در آفاق و انفس میگذراند . علاوه بر تشریف بمکه و زیارت مدینه و مشهد ، بکابل و هرات و هندیز رفته و مدت‌ها بمصاحبت ظفرخان احسن حکمران کابل جزء ملتزمان رکاب شاه جهان در برهان پور هندوستان بسر برده است و بعد بایندر که به هندوستان رفته بود بایران بازگشت و در اصفهان رحل اقامت افکند و دیگر بعلت پیری و ناتوانی از اصفهان بسفری دور دراز نرفت و فقط گاه بگاه از بعضی شهرهای ایران دیدن کرد .

صائب از زمره شاعران و سخنوران معدودی است که در زمان حیات مورد توجه و مشارالیه بوده است و وجودش رامغتنم و محترم داشته‌اند .

نه تنها شاهان ایران و هندو عثمانی بلکه مردم عادی نیز بنفائیل و مکارم او بدیده احترام مینگریستند و حتی در موقعی که بواسطه‌ی پیری در اصفهان رحل اقامت افکنده بود و بخارج سفر نمیکرد ، دیگران از نقاط دور و نزدیک بحضرت او میشتافتند و از ثمره‌ی شعر و ادب و فضل و هنر او متمتع میشدند و چون شاعر از لحاظ مال و ثروت تنگدست نبود از واردان و زائران بخوبی پذیرائی میکرد .

صائب را باید از شاعران معروف ایران دانست . این مرد در هشتاد و اندی سال از کمال راحت و عزت و سلامت برخوردار بود و دائم بخواندن و نوشتن و ساختن شعر اشتغال داشت . دیوان اشعارش را تا حدود سیصد هزار بیت گفته‌اند که اکنون در حدود صد هزار بیت آن در دست است .

چنانکه اشاره شد ، صائب در شاعری مبدع و مبتکر طرزی نو و شیوه‌ای خاص در غزل است که میتوان آنرا در برابر سبک خراسانی (ماورالنهری یا ترکستانی) و سبک عراقی و سبک فارسی (شیرازی) قرار داد و همان است که بسبک هندی معروفیت یافته است و شاعر

باریک بین و نازک خیال و دوست، فضل نگارنده امیر الشعراء استاد امیری فیروز کوهی دام بقائه آن را « سبک اصفهانی » اصطلاح کرده اند .

اگر قبل از صائب ، در آثار شاعرانی مانند نظیری نیشابوری و عرفی شیرازی و طالب آملی ، جستجوگریخته ، آثاری همانند دیده میشود قابل اعتنائیست زیرا صائب ، بواسطه کثرت اشعار خود، این سبک را رواجی و رونقی بی اندازه داده و آن را بحد کمال و غایت نهایت آن رسانیده است بطوریکه آثار دیگران را تحت الشعاع قرار میدهد و خود را مخترع و مبتکر آن قلمداد میکند .

پس از صائب هم ، چه در ایران و چه در هندوستان ، هر کس بدنبال اورفنه بپایه و مایه او نرسیده است . اساساً بعد از صائب ، شعر پارسی دوباره دچار تحولی دیگر شد و پس از زندیه ، شاعران و گویندگان ، راه ورسم کهن را نو کردند و باری دیگر بسبک عنصری و فرخی و انوری و سنائی در قصیده و بشیوهی سعدی و حافظ در غزل و بروش نظامی و فردوسی و مثنوی در بحر و تقارب شعر سرودند .

با رواج و رونق مجدد سبک خراسانی و عراقی و شیرازی ، سبک هندی یا اصفهانی که بعلت غموض معنی و اغلاق مضمون خوش آیند صاحبان ذوق سلیم و طبع مستقیم نبود متروک ماند و رفته رفته بدست فراموشی سپرده شد .

ولی سر نوشت این طرز سخن در هندوستان جزایران بود . در اینجا ، در خلاف جهت ، قوس صعودی را پیمود و عده ای پیرو مقلد مانند بیدل و شوکت بخاری و غنی کشمیری پیدا کرد .

چون طبع و نشر اشعار صائب با کثرت ابیات دشوار بود ، از خیلی پیش عده ای که هوا خواه و دوستدار آثار این شاعر باریک خیال بودند بر آن شدند که بذوق خود منتخباتی از این اشعار تهیه کنند و در دسترس ارباب ذوق و حال قرار دهند .

منتخبات اشعار صائب متعدد و مکرر بچاپ رسیده است . از آن جمله دوست با ذوق و شعر دوست نگارنده ، آقای جعفر آزمون ، در چند سال پیش منتخباتی از صائب را تهیه کردند که در سال ۱۳۲۵ در مشهد و در سال ۱۳۲۸ در تبریز بطبع رسیده و در مدتی اندک همه ی آن در دسترس شیفتگان صائب قرار گرفته است و امروز نسخه ای از آنهم در دست خود ایشان نیست . آقای آزمون که صفای ضمیر را با حسن ذوق فراهم آورده است در ضمن آنکه برای تامین معیشت ، از راه کمال درستی و پاکی ، بامور آزاد اقتصادی و بانکی و اداری اشتغال دارد ، ایام فراغت را در عوالم معنوی و روحانی بسر میبرد و بسائقه طبع شعر دوست خود با آثار شاعران و سخن سرایان ، تلخی و سنگینی حیات را شیرین و مبهک میسازد و از جمله ی مریدان صدیق و مخلصان شفیق صائب بشمار میرود .

از چندی پیش که منتخب اشعار صائب نایاب گردید ، ایشان بر آن شدند که ضمن مرور مجدد بدیوان بزرگ صائب ، ابیاتی انتخاب کنند و بر منتخبات سابق بیفزایند و یکجا بطبع رسانند . دوستان و یاران شعرشناس و صائب دوست ایشان نیز تقاضای کردند که این کار هر چه زودتر صورت تحقق پذیرد . آقای آزمون ، از راه کمال حسن ظن ، از این ضعیف خواستند که ضمن مرور منتخبات ایشان ، مقدمه ای بر کتاب بنویسد . متأسفانه بواسطه تراکم اشتغالات مجال مساعد و موقع مناسب دست نمیداد و تعهد این مهتم از امروز بفردا میافتاد ، اینک خداوند راسپاس میگذارد که اینای عهد را از عهده برمی آید و از دوست دیرین خود از این مسامحه و تأخیر پوزش میطلبد .

منتخبات آقای آزمون که دست پرورد ذوق شخصی ایشان است از بهترین اشعار صائب بشمار میآید . بدیهی است در انتخاب اشعار هر شاعری ، تنها ذوق انتخاب کننده مناط اعتبار خواهد بود و چه بسا اتفاق افتد که دیگران آن منتخبات را کم و بیش نپسندند ولی جای شک نیست که اغلب اشعار خوب دیوان صائب را میتوان در هر منتخب آثار او یافت .

از خداوند میخواهد که آقای آزمون را همواره با این شور و شوق و ذوق و نشاط نگاهدارد و خوانندگان را نیز با اهمیت و دقت کار ایشان متوجه سازد و در این روزگار که از بعضی جهات دوره بیرونقی و نارواچی شعر و ادب پارسیست این زبان شیرین و شیوا و رسا را که میراث ارزنده نیاکان ارجمند ماست از گزند و آسیب در کف حمایت خود ، محفوظ و مصون بدارد که **انه خیر حافظ و هو ارحم الرحمین**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

د. سرمد بهرامی